

ار سلح نعره آید ار عرّه سلح  
 در قید سر رلف نگاری بوده است  
 دستی است که در گردن یاری بوده است  
 رلف صمی و اسروی حابانی است  
 انگشت وریری و سر سلطانی است  
 دیدم دو هزار کوره گویا و حموس  
 گر کوره گر و کوره حر و کوره فروش  
 ورگرد گنه ر رح ترقم هرگر  
 ریرا که یکی را دو نگتم هرگر

حوش ناش که بعد ار من و تو ماه سی  
 این کوره چوم عاشق زاری بوده است  
 این دسته که در گردن آن می بینی  
 جاری که بریر پای هر حیوانی است  
 هر حشت که بر کمره ایوانی است  
 در کارگه کوره گری سودم دوس  
 هر یک بر باں حال ما من گفتند  
 گر گوهر طاعتت سفتم هرگر  
 بومید بیم ر بارگاه کرمتم

این گونه رباعیات بسیار است و از آنجه دلالت بر حبری بودن دارد

می خوردن من سرد وی سهل بود  
 گر می بخورم علم خدا سهل بود  
 حواحه نصر طوسی سالف الرحمة در جواب آن گوید

من می خورم و هر که خو من اهل بود  
 می خوردن من حق ر ارل میداست  
 حواحه نصر طوسی سالف الرحمة در جواب آن گوید

ریرا که جواب شبهه من سهل بود  
 سرد عقلا ر عایت سهل بود

این نکته نگوید آنکه او اهل بود  
 علم ارلی علت عصیان کردن

ار اشعار عربی حیام است

دل الافق الاعلی ادا حاش حاطری  
 عافا و افطاری بتهدیس فاطری

یدیر فی الدنا دل السعة العلی  
 اصوم عن الفحشاء جهرا و حصیه

وفات حیام سال یا صد و نهم یا پانزدهم یا هجدهم هجرت در نیشابور واقع  
 شد و حسب فر امامزاده محمد محروق مدفون گردید

(ص ۵ ت و ۱۳۳ هـ و ۲۰۷۱ ح ۳ و ۳۲۱۸ ح ۵ س و عره)

در اصطلاح رحالی، نمروده بروحردی، مجهول الهویه میباشد،

حسری

بعضی از ارباب تراحم اول آنرا با حیم، دوم آنرا با احد و سوم

آنرا ی حطی بوستنداند (حسری)

حیر

شعیب عبدالله - بعوان حریش مدکور شد.

حیر

محمد بن احمد بن حماد - مصطلح علمای رجال بوده و ترجمه‌اش

موکول بدان علم است، ایسکه بعضی از اهل فن لقب محمد را

باستناد روایت کشی، حیرانی نوشته‌اند اشتباه بوده و صریح عبارت روایت کشی آن است

که محمد مدکور ملقب بحیر می‌باشد

حیرانی

در اصطلاح رجال، فرموده بنقیح المقال بموجب بعضی از نسخ،

لقب عبد حیر و عماره بن رید می‌باشد و بموجب بعضی از آنها،

لقب آن دوتن حیوانی با واو حرف سوم است و در برخی دیگر حیوانی است که اولش

حرف ح بی نقطه و سومش واو می‌باشد و رجوع بحیر محمد هم نمایند و تحقیق مراتب

در علم رجال است

حیرالدین

سید نعمان بن محمود - بعوان آلوسی گذشت

حیروی

حسن بن ابراهیم - ترجمه‌اش موکول بعلم رجال است

حیری

زکریا بن آدم - ترجمه‌اش در کتب رجالیه است

حیری

میرزا یار علی - بعوان حکیم حیری مدکور داشتیم

حیظال

علی بن محمد بن السید - بعوان ابن السید در باب کسی خواهد آمد

حیظ ناظر

لقب مروان بن حکم می‌باشد که بعوان اوفس نگارش دادیم

لقب رجالی عماره بن رید و محمد بن هلال می‌باشد و تحقیق حالشان

حیوانی

موکول بدان علم و رجوع بحیرانی هم نمایند

## باب « د »

(بی نقطه)

- دائقی در اصطلاح رحالی، لقب عبداللہ دائقی است و رجوع بدان علم شود
- داحوس در اصطلاح رحالی، احمد داحوس است و رجوع بدان علم شود
- دادیحی حسین بن احمد بن ابی نکر - معروف بدادیحی، ادیبی است نارع  
فاصل که در اشای ترکی و عربی ماهر و در شعر عربی یردستی  
توانا داشت و ارتالیفات او است
- ۱- الفیض السوع فی المسموع ۲- قرۃ العین فی ایمان الوالدین ۳- کتابی در سیاست  
صاحب ترجمه سال ۱۱۷۵ ه قمری (عقعه) در هشتاد سالگی در اوائل ماه صفر در گذشت  
(ص ۴۹ ح ۲ سلك الدرر)

## دارابی<sup>۱</sup>

- دارابی سید جعفر - بعنوان کشمی خواهد آمد
- دارابی میرزا محمد علی - بعنوان بهار نگارش دادیم
- دارابی عبدالرحمن بن احمد بن عطیة - دارابی دمشقی، مکئی نابوسلیمان،  
ار اکابر عرفا و رجال طریقت و مشایخ شام میباشد که در میان  
این طبقه مسلم خاص و عام و بکثرت فصل و رهد و تقوی معروف و از کلمات او است که

---

۱- دارابی - مسوب است بداراب، از بلاد و ولایات فارس، بمسافت ۱۲۶ کیلومتر  
از جنوب شرقی شرار که هوایس سازگار و مشتمل بر معادن بسیاری می باشد و نام بانی خود  
داراب بن بهمن بن اسعدیار موسوم است و بهمن جهت داراب گرد سر گویند که نام عرب خود  
داراب حرد معروف می باشد و بعضی از مسوبین همین موضع را تذکر میدهند.

در رهد و تموی و موعظه گوید **البلع الاشياء فی ما بین الله و بین العبد المحاسبة** ایضاً : من عمل بلا اتباع السنة و عمله باطل ایضاً ، **افصل السکاء نکاة العبد علی ما فاتته من اوقاته علی غیر المواظمة** صاحب ترجمه سال ۲۰۳ (رح) یا ۲۱۵ (ریه) یا ۲۳۵ (رله) یا ۲۴۴ (رمد) ه قمری درگذشت **سست وی به دیهی داریا** نام است از دیهات عوطه دمشق که مولد و مسکن و مدفون آنجا بوده و مرار مردم است و این **سست** بر خلاف قیاس میباشد  
(صد و ۲۲۶ ح ۳ فع و ۲۴۶ ح ۲ مه)

**دارقری** عمر بن محمد - بعنوان ابن طرره در باب کسی خواهد آمد

### دارالقطن

**دار قطنی** علی بن عمر بن احمد بن مهدی - بغدادی دار قطنی ، شافعی یا شیعی ، مکنی نابوالحسن ، فقیه حافظ ، محدث فاضل رحالی ، از اکابر محدثین و فقهای شافعیه میباشد که از شیخ ابوالقاسم نعوی و جمعی دیگر از مشایخ روایت کرده است ، در مذهب شافعی بفقّه نموده و در علم حدیث مسلم اهل عصر خود بود ، در فقه و تفسیر و شعر و علوم ادبیه و معرفت حال روات و موارد اختلافات فقها دستی توانا داشت ابوبکر برقانی و ابوالطیب طبری و حافظ ابونعیم صاحب حلیه الاولیاء و بطائر ایشان از وی روایت میکنند ، اکثر دواوین عرب را که من جمله دیوان سید حمیری است در حفظ داشت و بهمین جهت بعضی تشیع وی رفته اند و آرا نار او است

۱- السن که سنس دار قطنی معروف و سال ۱۳۱۰ ه قمری (عشی) در هند چاپ شده است ۲- **المختلف والمؤلف و غیر آنها** وی در دویم یا هشتم دی القعدة یا دویم دی الحجة ارسال ۳۸۵ (شعه) قمری در بغداد وفات یافت و در حوازی قبر معروف کرحی مدفون گردید  
(ص ۳۵۹ ح ۱ کا و ۴۸۱ ت و ۲۲۷ ح ۳ فع و ۱۶ و ۲ ح ۳ س و ۱۳۳ ه و ۸۵۶ مط)

محمد بن حسن بن محمد بن ریاد - شعرائی قاری ، حافظ مفسر ،

### دار قطنی

مکنی نابوبکر ، از اکابر مفسرین و قراء قرآن مجید بوده وار

۱- **دارالقطن** - بم قاف ، محله بررگی بوده در سمت غربی بغداد مابین کرح و بهر عسی ، بعضی از مسوین آن را که **ندار قطنی** معروف هستند ثبت اوراق نمیناید

بالیفات او است

۱- از مدارات العلماء ۲- الاشارة في عريب القرآن ۳- دلائل النبوة ۴- شفاء الصدور  
۵- معجم اصغر ۶- معجم اکر ۷- معجم اوسط و این هر سه در اسامی قرآء و  
قراآت ایشان است ۸- المناسک ۹- الموضح في معانی القرآن و غیر اینها وی رورسه ششم  
سوم شوال ۳۵۱ هـ قمری (شبا) درگذشت

(از مسوده هایم نقل شد و مأخذ خصوصی از بطرم رفته است)

عبدالعزیز بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز - مکنی بابوالقاسم،

### دارکی

مشهور بدارکی ، از اکابر فقهای شافعیه میباشد که سال ۳۵۳ هـ

قمری (شعب) به بیستانور رفت، در آنجا فقه را از ابواسحق مروزی و دیگر احله و حدیث  
را بر از حدّ مادری خود حس بن محمد دارکی فراگرفت ، پس بعد از رفته و سای  
تدریس گذاشت و مرجع استفادة جمعی وافر از شیوخ بغداد و نواحی آن گردید شیخ  
ابوحامد اسهرایی گوید که فقیه تر از دارکی ، کسی را ندیده ام ، بیشتر اوقات با استاد  
حدیث سوی ، بر خلاف هر دو مذهب شافعی و حنبلی فتوی میداد و در پاسخ اعتراض ،  
همان حدیث استنادی خود را نقل کرده و میگفت وای بر حال شما ، حدیث شریف، اولی  
و مقدم تر از فتوای امامین ابوحنیفه و شافعی است وی ماه شوال یا دی القعدة سال ۳۷۵ هـ  
قمری (شعبه) در بغداد وفات یافت و بنا بر آنچه از سمعانی نقل شده نام پدر صاحب بر حمله  
حس بن احمد است **دارک** ، یکی از دهات اصفهان میباشد

### دارمی

احمد بن سعید بن صخر بن سلیمان - سر حسی المولد، بیستانوری

### دارمی

المشأ ، دارمی القبيلة ، ابو جعفر الکبيرة ، از مشاهیر فقها و

محدثین عامه میباشد که موثق و کثیر الحفظ بود، اغلب اوقات برای استماع حدیث سیاحت

۱- دارمی- موافق آنچه از ترجمه حال بعضی از معروفین بهمین عنوان استظهار می شود،

مسوب یکی از قبائل عرب میباشد که از طبن دارم بن مالک بن حنظله بن مالک بن رید منات  
بن تمم از بطون تمم بوده و بعضی از ایشان را ثنت اورای میماید

کرده و اربصر بن شمیم و علی بن حسین بن واقد و دیگر اکابر استماع نموده است، در  
 تعداد روایت حدیث اشتغال داشت، مسلم و بخاری از وی روایت میکنند و عاقبت  
 به بیشاپور رفته و سال ۲۵۳ هـ قمری (رجح) در آنجا درگذشت  
 (ص ۴۵۵ ح ۱۳ تاریخ بغداد)

- |       |   |
|-------|---|
| دارمی | احمد بن محمد - بعنوان نامی خواهد آمد  |
| دارمی | اعین بن صبیح { هر دو، مصطلح علم رجال بوده و بر حمة حال<br>جعفر بن عثمان } ایشان موکول بدان علم شریف است   |
| دارمی |   |
| دارمی | ربیع بن عامر - بعنوان مسکین دارمی خواهد آمد   |
| دارمی | عبدالرحمن بن حلف بن عساکر - از اطسای قرن پنجم هجری می باشد<br>که در شمار اسایطت و هندسه معدود و از اکابر تلامذۀ ابن العوس<br>آبی الترحمة بود، اکثر کتب حالیوس را از وی خوانده و در بعضی ساعات دقیقه و اعمال<br>لطیحه بیر مهابری سرا داشته است سال وفاتش مصوط نیست (ص ۱۰۸ ح ۱ امر)<br>عبدالله بن عبدالرحمن بن فصل بن بهرام - یامهران بن عبدالصمد،<br>سمرقندی المولد والمسکن، از پیشوایان اهل حدیث بشمار میرود،<br>تمامی فہون آن را از اکابر وقت خود فرا گرفت، کمال فصل وی مسلم کل بود، سن نوییہ<br>را در شهر خود انتشار داد، برای نشر آنها مسافرت کرده و از مشایخ روایت ابوداود و<br>برمندی و مسلم بن حجاج می باشد و از تألیفات او است |

۱- العسر ۲- الجامع الصحیح که سن دارمی مشهور و نه مسند دارمی مشهور تر  
 بوده و سال ۱۲۹۳ هـ قمری در هند چاپ شده است ۳- السن ۴- المسند، این هر دو  
 عبارت از همان جامع صحیح مذکور است وی سال ۲۵۵ هـ قمری (ربیع) در هفتاد و پنج  
 سالگی در مرو وفات یافته و هم در آنجا بحاک رفت، محمد بن اسمعیل بخاری از شنیدن  
 خبر وفات او بسیار متألم شده و گریسته و این شعر را فرو خواند

ان عشت تفجع بالاحنة کلهم و فساء نفسک لا امانک افجع  
 (ص ۸۶ ح ۲ س ۳ و ۸۵۲ مط و ۲۱۱ ح ۲ ع)

عبدالله بن عبدالواحد - دارمی کاتب، مکتبی نابوالقاسم، معاصر  
شیخ مفید متوفی سال ۴۱۳ هـ قمری است (ص ۲۰۲ ح ۲ بی)

دارمی

عیاش - مصطلح علم رجال بوده و رجوع بدان علم نمایند

دارمی

محمد بن عبدالواحد تمیمی، مکتبی نابوالفصل، موافق قاموس الاعلام  
ار سعراى و رراى بغداد میباشد که سمت سفارت از طرف قائم

دارمی

عباسی برد معرّ عباسی صاحب افریقیه رفت، بواسطه انقلابی که در آن اوان بطهور پیوست  
بطلیطله برد مأمون بن دیالون رهسار و مدتی در آنجا اقامت گردید، مأمون را با  
شعرهای بسیاری ستود تا سال ۴۵۵ هـ قمری (تمه) درهما بنا وفات یافته و اشعار او است  
ایممع قولی اسی للاحه  
و دمعی نایملیه و حدی یکتب  
ادا قلت للواشین نست بعاشق  
يقول لهم فیص المدامع یکتب

در تاریخ بغداد گوید محمد بن عبدالواحد بن محمد عمر بن میمون دارمی، مکتبی  
نابوالفرح، فقه محاسب شاعر شافعی، بدکات و فطانت موصوف، در مسائل دقیقه تکلم  
میکرده و شعر خوب هم میگفت، سال ۴۴۵ هـ ق (تمه) نامؤلف آن تاریخ ملاقات کرده است،  
کتاب احکام المتحیره والاستدکار و جامع الحوامع و مودع الودایع از تألیفات او است رور  
جمعه اول دی القعدة سال ۴۴۸ هـ قمری (تمح) در گذشت

نگارنده گوید دور نیست که صاحب ترجمه در تاریخ بغداد، همان محمد بن  
عبدالواحد مذکور در قاموس الاعلام باشد و اختلاف کمیّه و حد سال در تاریخ وفات حاکی  
قطعی از تعدّد بوده و بطاثر آنها سیار است و اما تمیمی و دارمی بودن، اصلاً منافی هم  
سوده و حناجه در بالا مذکور داشتیم دارمی نیز یکی از شعب و بطون قبیله تمیم است  
(ص ۲۰۸۶ ح ۳ س و ۳۶۱ ح ۲ تاریخ بغداد و ۷۷ ح ۳ طبقات الساعه)

محمد بن عبدالواحد بن محمد - رجوع بمحمد بن عبدالواحد  
مذکور در بالا نمایند

دارمی

در اصطلاح رحالی، لقب ندیل بن ورقاء، بر بن عبدالله، تمیم  
بن اوس، حبله بن مالک، حسین بن احمد و بعضی دیگر میباشد

داری

و ترجمهٔ حال ایشان موکول بدان علم شریف است و ترس عبدالله تشدید راء است

داستانی شیخ ابوعبدالله محمد بن علی - بعنوان شیخ المشایخ حواهد آمد

داعی بن رضا بن محمد - حسینی ، مکتبی ساوالحیر ، فاضل محدث واعظ ، مؤلف کتاب آثار الانوار و انوار الاحیاء در احادیث است و

همان کتاب را شیخ منتجب الدین (متوفی در حدود سال ۵۸۵ قمری) بواسطهٔ استاد خود سید مرتضی رازی از خود مؤلف روایت میکند. آری اینها استکشاف تواریخ بود که داعی، از علمای قرن پنجم هجرت بوده و یا اوائل قرن ششم را ببرد کرده است، محیی نماید که داعی نام صاحب بر حمة است و لکن بجهت اشتباه بلفظ ترجمهٔ حال وی پرداختیم (دریعة و تنقیح المقال و غیره)

داعی الاسلام سید محمد علی بن سید فضل الله - حسینی ، سس با سی واسطه

بحضرت امام حسن محنتی ع موصول میشود، از فصالی عصر حاضر



ما است ، موافق نوشتهٔ خود آن فاضل دانشمند تحصیلات ابتدائی را در آمل مار بدران و متوسطه و بهائی را در تهران و اصفهان ادامه داد ، اخیراً تعلیمات متنوعه فارسی ، عربی ، صرف ، نحو ، معانی ، بیان ، بدیع ، تاریخ اسلامی و غیرها موفق شد ، در اوقات اقامت اصفهان ، زبان عبرانی و انگلیسی را هم آموخته و محله الاسلام را منتشر نمود ، نامتبعین مذهب مسیحی مناظره کرده و هنگام مسافرت هندوستان در بمبئی بزرگ همان مناظره را ادامه داد و محلهٔ دعوة الاسلام را منتشر نموده و

عکس سید محمد علی داعی الاسلام - ۱۳

بدرخواست سلطنت اسلامیة دکن ، استادی دانشگاه حیدرآباد را منقل شد، هم در آنجا سه زبان قدیمی ایرانی اوستا و بهاوی و بهامشی و سه زبان بهاشا و کجراتی و سانسکریت از السنهٔ هند را فراگرفت و از تألیفات او است



- ۱- ترجمه کتاب نادرشاه از انگلیسی به پارسی که چاپ شده است ۲- ترجمه کتاب  
و ندیداد از اوستا به پارسی ۳- دیوان شعر حاوی قطعات و قصائد و غزلیات و مسمطات  
۴- فرهنگ نظام در پنج جلد برگزیده لغت فارسی عصری است و چاپ شده است  
بعد از ختم خدمات دانشگاهی با احراز سلطنت دکس بایران مراجعت کرده و  
اکنون مقیم تهران است

- داعی      الی الحیر- لقب حسن بن محمد است و رجوع به علم رجال است  
داعی      الی الله  
داعی      شیرازی      یا  
حود و صاحب کرامات و مقامات و با جمعی از مشایخ زمان خود ملاقات کرد، عاقبت ارادت  
شاه نعمت الله ماهانی کرمانی را برگزید و اراک را در حلقای وی گردید و بآلیفات بسیاری دارد  
۱- اسوة الکسوة ۲- بیان عیان در حقائق ۳- تحریر التوحود المطلق ۴- نعمة  
المشفاق ۵- ترجمه الاحبار العلویة ۶- التلویحات الحرمیة ۷- ثمرة الحیب ۸- حواهر  
الکفور ۹- چشمه زندگانی که مسوی است ۱۰- چهارچمن که مسوی است ۱۱- چهارمطلب  
۱۲- چهل صباح که مسوی است ۱۳- حیرالراد ۱۴- رضائیه ۱۵- سته که در ریر بعنوان  
مسویات سته مذکور است ۱۶- سلوة العلوی ۱۷- شرح رباعیات سعدالدین حموی که همان  
حواهر الکفور مذکور است ۱۸- شرح گلشن راز شستری که سائیم گلشن نام دارد ۱۹- شرح  
مثنوی مولوی ۲۰- طرار الایالة ۲۱- عشق نامه که مسوی است ۲۲- الموائد فی نعل المعاند  
۲۳- قلب و روح ۲۴- کشف المراتب ۲۵- کلمات ناویه ۲۶- کمیلیة ۲۷- مجمع روان که  
مثنوی است ۲۸- لطائف راه روش ۲۹- نعمة ۳۰- مثنویات سته که نام مجموع بک مثنوی  
مشاهد نام مذکور در ریر و پنج مثنوی چشمه زندگانی ، چهارچمن ، چهل صباح ،  
عشق نامه و گنج روان نام مذکور در بالا است ۳۱- محاصر السیر فی احوال حیرالسر  
۳۲- مرآت التوحود ۳۳- مرشد المور ۳۴- مشاهد که مسوی است ۳۵- معرفت النفس  
۳۶- سائیم گلشن که همان شرح گلشن راز مذکور در بالا است ۳۷- نظام و سرانجام و غیر اینها  
و از اشعار داعی الی الله است

روی دل حوش در خدا کن

صوفی و حکیم را رها کن

آن نه که تو در میان باشی

تا حد تو در میانه باشی

معنی فسا بگویمت من  
 ار هستی و بیستی گذشتن  
 من گفتن و من بودن آصحا  
 حر نقش بدن بودن آصحا

در سال ۸۶۷ یا ۸۶۹ یا ۸۷۰ قمری (صسر یا صسط یا صع) در حدود پدجاه و همت یا شصت سالگی در گذشت

در اصطلاح رحالی، عبارت از سلیمان بن سلمة، طالب بن ابی الاسود، عمار بن سلامة بوده و شرح حال ایشان موکول بدان علم است اسود بن اسود و ثمامنه بن اثال میباشد و شرح حال ایشان در علم رحال است

دالایی

دثلی

سید حسین بن سید حسن { هر دو در دیل عدوان عرب نگارش  
 میرزا صالح بن سید حسن { خواهد یافت

داماد

داماد

میر محمد ناقر - بعنوان میر داماد خواهد آمد

داماد

میرزا محمد صالح - همان میرزا صالح داماد مذکور در بالا است

داماد

میرزا حسین خان - موافق آنچه از دانشمند یگانه معاصر، میرزا

دانش

محمد خان قزوینی نقل شده از فصالی شعرای ایران، مردی فاضل

و مطلع و نابوق و خوش اخلاق و درستکار و دارای صفات حمیده بود، بدانش تحلیص

می نمود، اغلب در استامبول و گاهی در آنکارا اقامت داشت و تألیفاتی دارد که اغلب آنها

ترکی عثمانی است

۱- ترجمه پانزده قصه از لافوتین ساعر مسهور فرانسوی با زبان حیوانات که شعر

فارسی بطرز مثنوی با بحرهای مختلف ترجمه اش نموده است ۲- ترجمه رباعیات عمر خیام

محتوی برسیصد و بود و شش رباعی مسنون حیام با ترجمه و شرح و توضیحاتی برای

هر رباعی و یک مقدمه مسوطی ترکی در شرح حال و فلسفه و مسلك حیام و در تصاعیف

کتاب بیست مجلس تصویرات رنگین تمام صفحه مناسب مصامین بعضی از رباعیات حیام

بوده و در سال ۱۳۴۰ قمری (عشم) در استامبول چاپ شده است محفی نماید که حسین

دانش این ترجمه رباعیات را با مساعدت فیلسوف اعظم برکیه رضا توفیق تألیف داده است  
 ۳- دستور زبان فارسی که در استامبول چاپ شده و مهصل است ۴- سرآمدان سخن در تراجم  
 احوال پانزده تن از مشاهیر شعرای ایران از رودکی تا حافظ ترکی نامتحنایی از اشعار  
 هر يك از ایشان و در سال ۱۳۲۷ هـ قمری (عشکر) در استامبول چاپ شده است دانش  
 روز سه شنبه بیستم فروردین ۱۳۲۲ هـ شمس (عشک) مطابق بیست و سوم ربیع الاول ۱۳۶۲ هـ  
 قمری (عش سب) در هفتاد سالگی در آنکارا درگذشت

ملاعلی - معروف بحسن ، از شعرای اواخر قرن یازدهم هجرت

دانش

میباشد ، از ولایت ساری مازندران و مردی فاضل و کریم الطبع

بود ، در اوائل جوانی در مشهد مقدس مشغول تحصیل شد ، بعد از آن تا آخر عمر متصدی  
 فصاحت بعضی از نواحی مازندران گردید ، در بنیادیت حال بدانش و عاقبت محاربت تحلیص  
 میکرد و از اشعار او است

محمول که خویش را بجهان روساس کرد یمن داشت عیاسقی توان در لباس کرد

یاد رخ تو ، در دل اندوهگین ما حون تیر عمره سو بود دلشین ما

برعکس مدعای دل خویش حون نگین پسدا است سر نوشت ر لوح حین ما

سال ۱۰۷۰ هـ قمری (ع) در اصفهان وفات یافت و در مرار ما نا رکن الدین بحاک رفت

(ص ۳۷۴ نصابی)

میر عبدالقاسمی تهریری ، از فصلائی نامی قرن دهم هجرت و از مشاهیر

دانشمند

خطاطین عصر خود بود ، در بغداد امر از حیات می نمود ، میل معرط

تصوف داشت ، بهمین جهت بعد از باقی صوفی شهرت یافت ، در حانقاه مولویها سکونت

داشته و کتاب منهاج الولاية در شرح مهصل بهج البلاغة از تألیفات او است ولی تا تمام آن

موفق نیامد شاه عباس اول موقع بنای مسجد جامع حدید عباسی ، جهت نوشتن کتیبه های

آنجا امر با حصارش کرد ، سید احابت سمود تا بعد از فتح بغداد ، او را با صفاها احصار

و کتیبه ها را بدو بویساندند و اسن قطعه از او است

در قصه شیدیم ، کارین پیش بررگی  
 ما هم بطمع پیش بررگان رمانه  
 بردیم سی ریح و شد حاصل ارایسکار  
 گر تربیت این است ساکاهل سخن را  
 عفا و کرم هر دو یکی دان که ارایشان  
 ای اهل هر قصه همین است که گفتم  
 در سال ۱۰۳۹ ه قمری (علط) درگذشت

يك سدره زر داد يك بيت فلاي  
 ستيم مياسي و گشاديم رساي  
 حر خوردن حوي و بحر كندن حاي  
 دل تافته گردد چو تور از پي ناي  
 حر نام بياسد نتحقيق شاي  
 هان با بروشيد يقيني بگمائي  
 (اطلاعات متفرقه)

دانی ابو عمرو عثمان بن سعید - بعنوان ابن الصیرفی در باب کسی خواهد آمد

داودی عبدالرحمن بن محمد - بعنوان جمال الاسلام مذکور افتاد

داور سعید بن میرزا محمد سی - بعنوان سعید شیرازی خواهد آمد

داوری میرزا محمد - از شعرای شیراز، پسر وصال شیرازی آبی الترحمة

میشاد ، دارای کمال بود ، در علوم ادبیه جهندی وافر کرده و  
 بهره کافی برده است ، در حظ و شعر و نقاشی ممتاز و از اشعار او است

سود غیر حمونم را اکتساب فسون  
 رآن رمانه فتادم، که در میانه حلق  
 کار سته ، بکسب هر گشوده شود  
 س است داوری، این گفته ملال انگیز  
 رسال ۱۲۸۴ ه قمری (عرفد) درگذشت

که الحصون فسون گفت الحصون حصون  
 هر قلاده لعن است و با هر ملعون  
 به رنگ فیر، سپید از معوت صابون  
 بیا طریق عزل گیر کالحصون فسون  
 (ص ۳۵۱ عم)

دثلی اسود بن اسود و ثمامة ابن اثال و حمعی دیگر که در علم رجال  
 مذکور هستند

دثلی ظالم بن ظالم - در باب کسی بعنوان ابوالاسود خواهد آمد

دباح برورن عطار ، لقب علی بن حاتم (حارث ح ا) بن علی اشیلی ،  
 قاری نحوی ، معروف بابوالحسن دباح ، از شاگردان ابن حروف

میشود، این ابی الاحوص از وی روایت نموده و ارتلامده او است در شعبان ۶۴۶ هـ قمری (حمو) درگذشت (سطر ۱۵ ص ۲۵۶ و ۲۶ ص ۴۵۳ ت)

دناس

حسین بن محمد - بعنوان فارع بغدادی نگارش دادیم

دناع

ابورید عبدالرحمن بن محمد بن عبداللہ - انصاری، مشهور بدناع،

فقیه محدث کثیر الروایة بود، نا کبر سنی که داشته اصلاً تعییری در

چشم و دهن و حواسش حاصل نگردید و ارتالیفات او است

معالم الایمان فی معرفة اهل المیروان که ترجمهٔ حال طبقات فصلائی قیروان را از

روریکه اهالی آن مشرف شرف اسلام شده اند تارمان خود حاوی میباشد، در سال ۱۳۲۰ هـ

(عشک) قمری در بوس چاپ شده است و رمان خود ابورید بدست بیامد (ص ۸۶۳ مط)

دناع

در اصطلاح رحالی، لقب ابو عبداللہ مبارک است و رجوع

بدان علم نمایند

دبوسی

عبداللہ بن عمر بن عیسی - فقیه حنفی قاصی سمرقندی، از

دبوسی

با عید اللہ اکابر فقهایی حنفیه میباشد که در فقهات صرب المثل

و واضح علم حلاف بود و ارتالیفات او است

۱- الاسرار ۲- الامد الاقصی ۳- تأسیس النظر فی علمی الخلافیات والحدل

که در قاهره بدون تاریخ چاپ شده است ۴- البعویم للادلة گویند با فقهی مناظره کرده

است، از هر دو که سخن میان می آمد آن فقیه ملرم شده و با ستم و حنده میگدرایند پس

دبوسی این شعر را خواند

قالبی ناصحك والمعهمه

مالی ادا الرمتنه حجة

فالدب فی الصحراء ما افقهه

ان كان صحك المرء من فهمه

دبوسی سال ۴۳۰ هـ قمری (دل) در بحارا درگذشت

دبوسی - بفتح اول و صم ثانی، مسوب است بدبوسه که قصه ایست مابین سمرقند

و بحارا، یا بدبوسیه که نوشتهٔ مراصد، شهری است کوحك از توابع سعد سمرقند از

بلاد ماوراءالنهر و طاهراً بلکه قطعاً هر دو یکی است

(ص ۲۷۴ ح ۱ کا و ۸ ۳۱ ح ۴ س و ۱۶۶ مط و ۱۰۹ فوائد البهه)

د پیر	حاج میرزا علی اکبر - عنوان صدر الاسلام حواهد آمد
د پیران	علی بن عمر شافعی - عنوان کاتبی حواهد آمد
د بیسی	جعفر بن علی بن عبدالله - شرح حالش موکول مکسر حالیه است
د بیلی	محمد بن وهبان، دست آن بموضع دیبل نامی است ارشام (برورن
د بیسی	یا امیر یاریر علی الخلاف) و تمذیل لام بنون اشتباه است در مرصده
گوید	دیبل (برورن امیر) دیبی است از رمله و موضعی است بر دیکی یمامه و هم شهری
	است بر دیکی اران از بلاد ارمیته و بعضی گفته اند ریگ راری است مابین یم و یمامه
	و بهر حال بحقیق مراب موکول بعلم رحال است
د حاجی	لقب داود بن ابی داود و یکی دیگر از روای می باشد که او هم داود نام داشته و شرح حال ایشان موکول مکتب رحالیه است

### د حیل

د حیلی	احمد بن عبدالله - در حاتمۀ ناب کسی در ضمن عنوان آل دحیلی حواهد آمد
د حان	در اصطلاح رحالی ، عبدالرحمن بن احمد بن بهیک سمرقندی
د حمان	یا بوده و بحقیق لفظ و بر حتمۀ حال موکول بعلم رحال است

۱- دحیل - نوشته مرصده (بدون صبط حرکت) نام دویهر مناسدی که یکی از آنها در مقابل قادیسیه و بر دیکی سامره و ارسمت بالای بغداد بر حاسه و بلاد ساری از آن مشروب میسود و نقابای آن در دحله می ریزد ، دیگری بهرست در اهواز که دحیل مسرفان معروف و ارسمت بالای اصفهان بر حاسته و در بحر فارس می ریزد نام اصلی پارسی آن دیله کودک بوده (بعنی دحله کوحک) پس معریش کرده و دحیل گفند

نگارنده گوید گاهی بعضی از بلاد را بیر که در ساحل یکی از این دویهر واقع باشد بعلاقه محاورت دحیل گویند و بعضی از اشخاص را هم بجهت انساب آن بنده دحیلی نامند و و تشحیص اینکه سنت یکدام یک است موکول بقرائن و تنبع خود اشخاص است

ملاحسین - مراعه‌ای (ار بلاد آذربایجان) از شعرای ترکی زبان  
 ۵۵۱  
 قرن سیزدهم هجرت می‌باشد، دیوان اشعارش که مشتمل بر وقایع  
 حگرسورگر، بلاست بارها در تریر چاپ سگی شده و اولش که در نان پارسی گفته این است  
 در مذهب ما کلام حق ناد علی است  
 طاعت که قبول حق بود یاد علی است  
 ار حمله آفریش کسوں و مکان  
 مقصود خدا علی و اولاد علی است  
 رمان وفاش بدست بیامد  
 (الملاءات خارجی)

خلیقه، کمال‌الدین معروف به قره دده، بهمین عنوان معروفیش  
 ۵۵۵  
 خواهد آمد

عمر - ار حمله عرفا و صوفیه، از اهالی بروسه می‌باشد که از مریدان  
 ۵۵۵  
 شیخ بیرام ولی بود، بعد از وفات او وارث مقام قطیبت گردید و  
 و در سال ۹۴۶ ه قمری (طمو) در گذشت (ص ۳۲۱۹ ج ۵)

عمر روشی - بعنوان روشی خواهد آمد ۵۵۵

محمد بن مصطفی بن حبیب - از صرومی، مکتبی نابوالمکارم،  
 ۵۵۵  
 ملقب به دده، از افاضل و اعلام عامه بود، مدتی بقصاوت غلظه  
 در خارج قسطنطینیّه و اخیراً بقصاوت خود قسطنطینیّه منصوب شد و بمقامات عالیّه رسید  
 و از تألیفات او است

۱- رساله‌ای در فقه ۲- رساله‌ای در موند حضرت رسالت ص ۳- السیاسة والاحکام

وی سال ۱۱۴۶ ه قمری (عقمو) در بروسه در گذشت (ص ۶۶ ج ۱ سلك الدرر)

شیخ ابوالحسین - از عرفای اوائل قرن چهارم هجرت می‌باشد،  
 ۵۵۵  
 دراج  
 حرقه خلافت از ابراهیم خواص یافت، سیار صاحب وحد و حال

و سماع بود، در حال سماع از خود میرفت، عافیت در حال سماع سال سیصد و بیستم  
 هجرت آهی کشید و جان داد علام سرور در تاریخ آن گوید

احسن الحلق سوالحسین ولی رفت خون رین چهان بخلد برین  
 رحلتش هادی مکرم = ۳۲۰ دان هم بعنوان ابوالحسین محیی‌الدین = ۳۲۰  
 (ص ۱۸۲ ج ۲ حه)

## دراری

یوسف بن احمد مصطلح علم رجال بوده و رجوع بدان علم شریف نمایند

## درینک

## در سدی

آخوند ملا آقا بن عابد بن رمضان بن راهد - شیروانی ، معروف

به فاضل در سدی ، عالم متمشع حلیل ، فقیه اصولی ، حدلی رحالی ،

محقق مدقق ، با شیخ مرتضی انصاری و بطائر وی معاصر و از بلامده شریف العلماء

ماربندانی بود ، در مجلس درس محادله و اعتراضات بسیاری وارد میاورد ، سا میگفت

که بعالن مطلب چهل یا پنجاه اعتراض وارد است ، شریف العلماء بپراطهار میگرد یک

اعتراض خوب اگر باشد کافی بوده و دومی لزوم ندارد

وقتی صاحب حواهر ، در مجلسی با کتاب حواهر الکلام خود میباید در سدی گفت

از حواهر شما در حرائن ما بسیار است (اساره به کتاب حرائن نام خود نمود که در دیل

مدکور حواهم داشت) در علم اکسیر بپرمهانت داشت و رساله‌های در آن علم تألیف داده

است ، میرزا محمد تنکابی صاحب قصص العلماء که از بلامده وی بوده گوید ، فصاحت

و بلاغت در سدی مسلم عرب و عجم میباشد ، در علوم عربیه بی‌طمر و در علم رجال مرجع

از باب کمال شمار میرود ، مطالبش در کلام و حکمت مطابق مواردین شرعیه بوده است

در سدی در محنت خانواده عصمت و دسر علوم و معارف حصه اسلامیّه و تعصب شریعت

مقدسه معروف آفاق بود ، بالخصوص نسبت بحضرت حسین بن علی ع محنت مفرط و

بیهایت داشت ، در احیاء مراسم عرادی آن بررگوار مساعی حمیله بکار برده و نوادر

سیاری از وی منقول است کتب علمیه و احادیث و اخبار را بسیار معرّر و موقر می‌شمرد

و اهتمام تمام در احترام آنها معمول میداشت ، هر وقتی که بهدیب شیخ طوسی و بطائر آنرا

۱- در سده شهری است در ساحل بحر حرر (دریای ماربندان) بر دیکی شهر شیروان

که گاهی در سده شیروان سر گویند ، همان است که جرافس عرب آن را باب الاواب و گاهی

باب بپراطهار می‌کند ، بانی و کیفیت بنا و دیگر مرایای آن را موکول بکتب مربوطه دانسته

در اینجا بذكر بعضی از مسوین آن مسرداریم



درمیداشت میوسید و بالای سر می گذاشت و میگفت که کتب احبار بیز مانند قرآن مجید محترم میباشد تألیفات بسیار دارد

۱- اسرار الشهادة که همان اکسیر العبادات مذکور در دبل است ۲- اکسیر العبادات فی اسرار الشهادة که با اسرار الشهادة معروف است و بعضی از علما آنرا از عربی پارسی ترجمه نموده و اصل و ترجمه هر دو در ایران چاپ سگی شده است ، بحکم اصناف ، این کتاب او بلکه دیگر تألیفاتی که در موضوع مقتل نگارش داده همانا در اثر آیهمه محنت مهرط که داشته است حاوی عث و سمین بوده و علامه نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان شرحی دائر بر صعب کتاب اسرار الشهادة و عدم اعتماد بر آن نگارش داده است

دراعیان الشیعة بزرگوید در سندی، در مؤلفات نقلیه خود بسیاری از احبار واهی را نقل کرده که عقل ناور ندارد و از نقل هم شاهدهی بیست در کتاب سعادات ناصریه اش عرائف بسیاری است که هیچ مورخ نوشته و هیچ عمل آنها را ناور ندارد ۳- حواهر الایمان در معنی که در ایران چاپ سگی شده است ۴- الجوهرة یا جوهر الصاعة در اسطرلاب ۵- ححیة الاصول المشتة باقسامها ۶- حرائن الاحکام ۷- حرائن الاصول که در ایران چاپ شده است ۸- رساله ای در اکسیر ۹- رساله ای در رجال و درایة ۱۰- سعادات ناصریه که مقتلی است پارسی و سام ناصر الدین شاه تألیف و در تهران چاپ سگی شده است ۱۱- عناوین الادلة در اصول ۱۲- الفن الاعلی فی الاعتقادات ۱۳- فن التمریبات که با حرائن الاصول در یکجا چاپ شده است ۱۴- قوامیس الصاعة فی فنون الاحبار ۱۵- قوامیس العواید در رجال در سندی سال ۱۲۸۶ یا ۱۲۸۵ هـ قمری (عفور یا عرفه) در بهران وفات یافت، حصاره اش را بکر بالای معلی نقل دادند و در آن حاك پاك دفن کردند و ما بر قول دومی در ماده تاریخ و وفات او گفته اند

انصمت عربی الهدی بقده و انقصمت ظهور من قالوا بلی

و مداتانا بعبه ارحنه و قدطار روحه الی عرش العلی - ۱۲۸۵

(ص ۱۳۳ هـ و ۵۹ ح ۱ عه و ۱۳۹ مآثر و ۴ ح ۱۱۹۶ ح ۵ ع)

حسن بن محمد - مکسی ناوالولید ، از مشاهیر محدثین عامه

در سندی

میباشد که برای جمع احادیث شریفه در تمامی بلاد اسلامی سیاحتها

کرده و محدّثین بسیاری از وی روایت میکنند و در سال ۴۵۶ هـ قمری (تسو) درگذشت  
(ص ۲۱۲۸ ح ۳ س)

شیخ احمد بن محمد بن ابی حامد ، مالکی ارهری حلوتی ، مشهور

در دیر

بدر دیر ، از علمای عرفای مالکیّه اول قرن سیزدهم هجرت میباشد

که در جامع ارهر حاضر درس اکابر وقت خود بود ، از فنون صوّف و عرفان طریقت  
حلوتیه را برگزید ، بعد از وفات شیخ علی صعیدی ، رئیس مدهبی مالکیّه بلکه مفتی  
تمامی دیار مصر شد ، در امر معروف و نهی ارمسکر اهتمام تمام نکاز میکرد تا سال ۱۲۰۱ هـ  
قمری (عرا) در همداد و چهار سالگی در مصر درگذشت ، در راویهای که برای ایفای  
وظائف عرفانی مسلک حلوتیه بخودش تخصیص داده بود مدفون و قرش مشهور میباشد  
و از تألیفات او است

۱- اقرب المسالك لمذهب الامام مالك که در مصر بکمرته نجاب سگی و یک دفعه

بیر نجاب حروفی رسیده است ۲- تحفة الاحوان فی اصول و آداب طرق العوم (تصوف) که

دومرته در قاهره چاپ شده است ۳- الحریدة النہیة فی العمائد التوحیدیه که در مصر و

اسکندریه چاپ شده و مطبومه است و غیرها (ص ۸۶۹ مط)

حسین بن ایاس - مصطلح علم رجال میباشد و رجوع بررقی نماید

در قی

برهان ، شیخ علی بن ابراهیم - ملقب بدرویش برهان ، اراحلای

درویش

علمای متأخرین میباشد و از تألیفات او است

۱- بحر المناقب عربی ۲- در بحر المناقب پارسی (تشدید لفظ در) که چاپ شده

و تألیف آن بعد از سال ۹۱۱ یا ۹۷۱ هـ (طیا یا طعا) بوده است و مشخص دیگری بدست نیامد

(ص ۴۸ ح ۳ دریمه)

حسین حافظ - بعنوان ابن الکرنلائی در باب کسی خواهد آمد

درویش

عبدالمجید - از مشاهیر خطاطان و خوشنویسان اترابی میباشد

درویش

که در خط شکسته رونق بارار دیگران را شکسته و باحال کسی

بنایه اس بر رسیده است ، در آن خط حیاں شهرت دارد که میر عماد در ستعلیق و باقوت در

سح ، شعر خوب هم میگفت ، معجید تجلّص میکرد، دیوان اشعار هم داشته و ارو است  
 ظلم است که بیرون کسی ام، ارفس اکون      کر حور توأم، ریخته شد مال و پرا آجا  
 دور از تو معجید آرزوی جلد ندارد      کاجا که بوئی از همهجا حوترا آجا  
 عبدالمعجید در اصل طالقانی بود ، مدتی در اصفهان اقامت گزید ، ما لباس درویشانه  
 میگذراید تا روز چهارشنبه پانزدهم محرم سال ۱۱۸۵ هـ قمری (عقعه) در آجا وفات یافت  
 و در تحت فولاد در مقابل بکیه میرفندرسکی مدفون شد و ماده تاریخ وفاتش که بر روی  
 سنگ قبر حجاری شده این است *جعل الحجة مثویه اله = ۱۱۸۵* (ص ۵۴۵ عم و عره)

درویش      محمد ، معروف بکوک، بهمین عنوان معروفی خود خواهد آمد  
 مصطفی بن قاسم بن عبدالکریم بن قاسم بن محیی الدین - حلی الاصل

درویش      طرابلسی المولد والمشأ ، شافعی المذهب، وفائی المشرق، بریل  
 مدینه منوره وار اعداد محمد حنفیه ، فقیهی است نحوی ادیب شاعر ماهر، سال ۹۸۲ هـ  
 قمری (طهر) در طرابلس شام راییده شد ، فسون ادیبه را از اکابر آن دیار فراگرفت ،  
 بمصر رفته و فقه و نحو را از فحول آجا خواند، در سال ۱۰۳۲ هـ قمری (علب) بمدینه  
 رفته و باهل نموده و اقامت گزید ، بشر علم و تدریس در مسجد سوی ص پرداخت با  
 آنکه بعضی از متلّسین لباس اهل علم بپوشیدند و در اثر رقابت سالی تدریس گذاشته و دحیل  
 و طائف علمیه شدند، بهمین جهت صاحب ترجمه دست ار کار کشیده و ملازم حال خود گردید  
 کم قائل مائی رأیتک راحلا      هلت له من اجل انک فارس

ار بالیعات او است

۱- الدر الملتقط من بحر النضا فی منافع انی الاسعاد بن وفا ۲- المصحح الوفاة  
 فی شرح العائیه که شرح قصیده نائیه ابن حسب سعدی است ۳- برهة الاصار فی السیر فی ما یحدث  
 للمسافر من الحر ۴- هتک الاستار فی وصف العذار

ار اشعار او است که در اسعائه بحصرت سوی ص گفته است

یا من له کل الشدائد تعرج      و بدکره کل العوائم تلهج  
 و علیه املاک السماء تزلزلت      و تمدحه لله حما تعرج  
 وایه یبھی کل راح سؤاله      والسائلون علی حماه عرجوا

تکسی للعمو منه احوح  
وعساکم ان تبعموا و تعرحوا

قد حثتکم ارحوا لوفاء تکرما  
و حطت احمال الرحاء لکم

سال وفاتش معلوم نیست ، چنانچه روشن گردید با شیخ بهائی معاصر و سال ۱۰۳۲ هـ  
(علب) در قید حیات بوده است (ص ۲۸۷ هـ)

ناصر، بعنوان ناصر بخاری خواهد آمد **درویش**

ناصر علی، میرزا محمد - بعنوان گلکار خواهد آمد **درویش**

علی بن حسن و حسن بن علی بن حسن مصطلح رحال میباشد و **دستجردی**

رحوع بدان علم شود دستجرد نام چندین قریه است در مرو و

طوس و بلخ و اسپهان و نهاوند

میرزا صادق ، فاضل الفصاة شیراز بود ، با وجود فطرت عالی ، کمال

**دستعلیب**

شکستگی داشت و حالی از شور بود در زمان شاه صفی صفوی

(متوفی سال ۱۰۵۲ هـ ق) بعثت حسن حط ، مدنی در کتبخانه دولتی مشغول کتابت شد ،

عاقبت بجهت شہامت و علو همت ، ترک کرده و شیراز رفت و بعد از اندکی در لار فوت

شد روز فوت او عرلی را که در همان ایام گفته بوده در پیش حصاره اش می خواندند و

شوری بر پا بود که خارج از بیان است و آن عرلی این است

چند روزی آمد و یاران خود را دید و رفت **ار ازل صادق بدینا میل آمیزش نداشت**

عادت پیش ما کمر است بی محراب بروئی **حرام است آرزوی ناده کردن بی پروئی**

اگر در دل باشد همچو بیر او براروئی **ستم پر میکند اعضا بهم در قسمت دردش**

(ص ۲۷۲ تذکره نیرآبادی) **سال وفاتش معلوم نیست**

سند حسن، شیرازی بردنک سند عباس ، از فصالی قرن حاضر

**دستعلیب**

چهاردهم هجرت میباشد که سال ۱۳۱۹ هـ قمری (عشیط) وفات

یافته و کتاب اصول الدین نامی از آثار او است (ص ۱۹۲ ح ۲ دریعة)

نظام ، شاعری است عالی مقام از شیراز که سال ۱۰۲۹ هـ قمری

**دستعلیب**

(عکط) وفات یافت و در حافظیة شیراز مدفون شد و او است

دل که افسرده شد ارسینه برون باید کرد مرده هر چند عریراست بگه نتوان داشت  
(ص ۳۵۴ تذکره حسینی)

### دسوقی

انراهمیم ، ارمشایح صوفیئه میباشد، طریقت دسوقیئه ندومسوب  
دسوقی و مواعظ و اقوال حکیمانهاش مشهور بوده و میگفته است کسانی  
که عیف و بطیف و متشرع باشند ارمن بیستند سال ۶۷۶ هجری قمری (هجری) درچهل و  
سه سالگی درگذشت، موشته شعرائی ، دسوقی سید نقوی بوده و مسبا و ندوارده واسطه  
بحصرت امام علی النقی ع میرسد، وی چندین ورق شرح مفصلی در بیان حالات او نگاشته  
که این مختصر مقتضی نقل آنها بیست (ص ۱۷ ح ۱ و ۵۷۰ ح ۱ و ۱۴۳ ح ۱ ل)

محمد بن احمد بن عرفه، دسوقی الولادة، مالکی المذهب، ارافاصل  
دسوقی قرن سیردهم هجرت میباشد ، در قاهره قرآن مجید را ناتحوید  
آن حفظ کرد ، هندسه و حکمت را فراگرفت، بسیار متواضع و دارای اخلاق حسنه بود،  
در تسهیل معانی فرید عصر خود بشمار میرفت، از استعمال الفاظ غیر مأنوسه اجتناب تمام  
داشت و از تألیفات او است

۱- حاشیه بر تحریر القواعد المصطفیة قطب رازی ۲- حاشیه بر مختصر ملا سعد  
تمتارانی که در قاهره چاپ شده است ۳- حاشیه بر معنی ابن هشام که بر دومرینه در قاهره چاپ  
شده است ۴- الحدود الفهمیة در فقه مالک که ناشر محمد انصاری که در فارس چاپ سگی  
شده است و غیر اینها و در سال ۱۲۳۰ هجری قمری (عزل) درگذشت (ص ۸۷۵ مط)

دسکی سید محمد دوس بوده و هر دو بعنوان صدرالدین خواهد آمد  
دستی تحلیص شعری اصلی حامی عبدالرحمن است که بهمین عنوان مذکور شد  
دعبل حسن یا عبدالرحمن یا محمد بن علی حراعی بهمین عنوان حراعی  
مذکور شد

۱- دسوق- موشته معجم المطبوعات (بدون ضبط حرکت) بلده ایست ارقراء مصر و بعضی  
از مسوین آرا در اینجا تذکر میدهد

دعبلی

اسمعیل بن علی - بعنوان ابوالعاسم دعبلی در باب کسی خواهد آمد

دعلجی

در اصطلاح رحالی عبدالله بن محمد بن عبدالله میباشد و شرح

حال و وجه نسبت موکول بعلم رحال است

دعوی

عبیده بن هبة الله - مصطلح علم رحال و رجوع بدانجا نمایند

دعشی

حسن بن عطیة ، حسین بن عطیة ، علی بن ابراهیم ، ابن عطا

و جمعی دیگر از محدثین میباشد که ترجمه حال و وجه لقب

موکول بعلم رحال است

## دقائق

دقاق

حسن بن علی - (نامحمد) نیشابوری المولد والموطن، دقاق الشهبرة،

ابوعلی الکیه ، عالم عارف متأله واعظ مصر ، از اکابر عرفا

مسیحی ، جامع اصول شریعت و فروع طریقت شمار میرفت ، در میان این سلسله معروف

بصاحت و طلاقت ، در بیان احادیث و احصار صاحب دستی توانا ، در تفسیر و تأویل آیات

قرآنیّه بصیر و بینا ، از جمله عادات معموله اش مباحث و راز و بیار علی بوده است

از کثرت شوق و ذوق و درد و گریه که داشته او را شیخ نوحه کر میگفتند ، گوید حواجه

عبدالله انصاری مباحث مشهوری خود را از کلمات این عارف ربّانی اقتباس نموده است

امام قشیری معروف عبدالکریم بن هوارن آبی الرحمة داماد صاحب رحمه و از بلامده

وی بود ، بعد از وفات او مضطرب و گریاس در جواب دید و گفت ، مگر آرزوی ترکش

ندیدید داری؟ گفت بلی ، اما نه برای اینکه طالب دنیا هستم و یا بجهت اینکه بسر رفته

و وعظ کرده باشم بلکه برای آنکه عصائی بدست گرفته و بهر کوحده و مجلد بروم و مردم

را از عذاب الهی ترسانم و گویم نافرمانی حق نکند ، با حق تعالی برآستی و با خلق با

۱ - دقاق - (بروردن بقال) عربی دقین (آرد) فروس میباشد ، بعضی از موصوفین و

معروفین بهمین وصف را تذکر میدهند و در اصطلاح رحالی ، جعفر بن علی بن سهل و حسن بن

مبیل و عثمان و علی بن احمد بوده و شرح حال اسان موکول بدان علم سرب است

مهربانی رفتار نمائید که حیر شما در این است و از عقومت احرووی حصری ندارید ار  
تألیعات دقاق است

۱- تأویل بعضی از آیات قرآنیه ۲- حالات ۳- رهد ۴- مواعظ که برسیصد  
و شصت مجلس مشتمل می باشد در ماه دی الفعده سال ۴۰۵ یا ۴۱۲ قمری (نه یا نینب)  
در پشاور وفات یافت ، قرش مشهور است و ایسکه در آثار عجم تاریخ وفات دقاق را  
سال ۵۴۵ ق صط کرده اشتباه است

(ص ۱۳۵ هـ و ۱۸۰ ح ۲ مه و ۲۴۲ ح ۳ فع و ۳۲۶ ح ۱ کا و ۳۲۶ عم)

علی بن احمد بن محمد بن عمران - ار مشایخ صدوق بوده وار وی

دقایی

روایت می کند و شرح حالس موکول معلم رحال است

معین الدین یسرنهی اوحدی - بعنوان معین الدین دقایی حواهد آمد

دقایی

محمد بن داود - مکسی نابوعمر و یا ابوبکر ، ار عرفای قرن

دقی

چهارم هجرت میباشد، صحبت حمید بغدادی را دریافته و در میان

این طبعه بحالات موصوف است سال ۳۵۹ قمری (سَط) در صد و بیست سالگی در گذشت

دق - نا صم و تشدید دهی است در دمشق (ص ۱۱۳ ح ۳ مه)

سلیمان بن سین یا سین بن حلف - دقیقی بحوی، ملقب بتقی الدین،

دقیقی

مکسی نابوعبدالعی ، سال ۶۱۳ یا ۶۱۴ قمری (حیح یا حمید)

در گذشته و تصایف بسیاری در نحو و عروض و غیره بدو مسوب میباشد

۱- آلات الجهاد و ادوات الصافیات الحیاد ۲- اتفاق المانی و افتراق المعانی

۳- الاحکام الشوافی فی احکام الوافی ۴- احلاق الکرام و احلاق اللئام ۵- الاعجاز و الایحار

باعجاز الایحار فی المعانی و الالعار ۶- اعدب یا اعراب العمل فی شرح آیات الحمل ۷- الافلاک

السوائر فی انکاک الدوائر ۸- انوار الارهار فی معانی الاشعار ۹- ایحار المحامد فی ایحار

المواعد ۱۰- تحبیر یا تحبیر الافکار فی تحریر الاشعار ۱۱- التسه علی الفرق و التشبیه

۱۲- الدرر الادبیه فی بصره العربیه ۱۳- الروص الاریص فی اوردان الفریص ۱۴- السط

فی احکام الحظ ۱۵- فوائد الالاداب ۱۶- فواعد الاعراب ۱۷- الکافی فی حلل القوافی

۱۸- لباب الالمان فی شرح آیات الکتاب ۱۹- معادن الترفی محاسن الشعر ۲۰- مکارم الاحلاق

لطیب الاعراق ۲۱- منتهی الادب فی مسدء کلام العرب ۲۲- الوافی فی علم الوافی

۲۳- الوصاح فی شرح آیات الاصحح دقیقی در اثر حسن حلق و میمنت تعلیماتی که داشته شاگردهای بسیاری تربیت کرده است (ص ۳۲۳ ت و ۲۴۴ ح ۱۱ حم)

دقیقی  
علی بن عبدالله بن دقاق ، مکی بن ابوالقاسم ، عالم فاضل نحوی بلکه از پیشوایان علمای نحو بود ، آن علم شریف را از فارسی

و رمانی و سیرافی احد کرد ، مرجع استعاده جمعی کثیر بوده و از تألیفات او است

۱- شرح الاصحح ۲- شرح الحرمی ۳- العروس ۴- المقدمات در ماه صفر ۴۱۵ هـ قمری (بیه) در گذشت (ص ۱۳۵ هـ و ۴۸۳ ت و ۵۶ ح ۱۴ حم)

دقیقی  
محمد بن احمد - بلخی یا طوسی یا مروی یا سمرقندی یا بخارائی ، مکی بن ابومصور ، از اکابر شعرای قرن چهارم هجری عهد سامانیان و مداح ایشان بود ، زمان سلطان محمود سبکتکین را نیز دریافته و نامر آن سلطان و با نوح بن منصور سامانی نظم شاهنامه پرداخت ، بیست هزار بیت از قصیده گشتاسب و رودشت و اسفندیار را نظم آورد پس از آن بدست علام ترکی خود در سال ۳۴۱ هـ قمری (شما) مقتول و نامام شاهنامه موفق شد و شرحی که در محل خود مذکور است فردوسی نظم آن پرداخته و هزار بیت از اشعار دقیقی را برای حلوه اسعار خود صمیمه شاهنامه اش نموده و از آن جمله است

خو گشتاسب را داد لهراسب تحت	فرود آمد از بخت و درست رخت
بلخ گرین شد بدان بویهار	که یردان پرستان آن روز کار
مر آن خانه را داشتندی چسان	که مر ، مگد را باربان اس زمان
بدان خانه شد شاه یردان پرست	فرود آمد آنجا و هیکل بست

اس رباعی سر اردقیقی است

گویند سرکن که برا صر بردهد	آری دهد و لیک عمر دگر دهد
من عمر خویش را بصوری گداشتم	عمر دگر نباید ، با صر بردهد
چپاسا همانا فسوسی و ساری	که برکس نبایی و ناکس ساری



یکسی را نعیمی یکی را ححیمی	یکسی را شیمی یکی را فراری
حرا ریر کاسد س سگ زوری	حرا ایلها سسد ما سی پیاری
حرا عمر طاوس و درّاح کوتاه	چرا مار و کرکس ریدد در دراری
صد و ابد ساله یکی مرد عرجه	حرا شصت و سه ر بست آن مرد تاری

(ص ۲۱۴ ح ۱ مع ۲۱۴۷ ح ۳ س)

محمد بن علی - نحوی، ملقب بدقیقی، مکشی باوالحسن، ار

**دقیقی**

تلامذه رمایی بوده و ارتالیفات او است

۱- المرشد ۲- المسموع من کلام العرب ولادش در سال ۳۸۴ هـ قمری (شهد) بوده

(ص ۷۲۷ ت و ۲۶۳ ح ۱۸ حم)

و وفات و مسح دیگری بدست بیامد

انراهمیم - ترکمانی الاصل، دمشقی المولد والمدفن، ار علمای

**دکد کچی**

عائمه قرن دوازدهم هجرت میباشد که در فنون ادبیه و شعر ماهر

بود، سال ۱۱۳۲ هـ قمری (عقب) در بیست و هشت سالگی از دنیا درگذشت

(ص ۵۷۰ ح ۱ س)

{ در اصطلاح رحالی، اولی لقب احمد بن میثم، دومی لقب مهلب بوده و شرح حال ایشان موقوف بدان علم است	<b>دکن</b>
	<b>دلایل</b>

سعد بن علی بن قاسم بن علی بن قاسم - وری انصاری حر رحی،

**دلایل الکتب**

حظیری الولاده، مکشی با والمعالی، معروف بدلال الکتب،

ار مشاهیر فصالی ادبا و شعرا میباشد که در فنون متنوعه خمیر بود، شعر خوب میگفت و مصنفات بیکو دارد

۱- ربة الدهر وعصرة اهل العصر که در بدیل دمية العصر باحرری تألیف داده و

ترجمه حال بسیاری از شعرای عصر خود و پیش از آنرا با بعضی از اشعار طریقه ایشان

حاوی است و بعضی از اشعار خود را نیز در آن درج کرده است ۲- لمح الملح که دلیلی

متن بر کثرت اطلاعات علمی وی میباشد و از اشعار خود او است

دون ویه دع الملامه سه

قل لمن عاب شامة لحیبی

من فی روح صاتم سه

انما الشامة التي قلت عنها